

راه حل‌های مزبور جریان داشته نیز نقش شاخص‌تری ایفا کند.

ک.ب

دور جدید انتفاضه

پنج‌شنبه هفتم مهرماه ۱۳۷۹ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ - یکی از منفورترین شخصیت‌های اسرائیلی نزد فلسطینیان با حفاظت صدها فرد نظامی به بیت‌المقدس رفت تا هیکل سلیمان را زیارت و احتمالاً مقدمات حفاری مجدد در مسجدالاقصی را آماده کند! این عمل آریل شارون همان‌طور که انتظار می‌رفت در روز بعد عکس‌العمل شدیدی از سوی فلسطینی‌ها به دنبال داشت و بعد از نماز جمعه مسجدالاقصی بین فلسطینی‌ها و نیروهای امنیتی اسرائیل - که احتمالاً از قبل آماده این برخورد بودند - تنش روی داد که طی آن چند نمازگزار شهید و به دنبال اعتراض‌های پی در پی به این مسأله نیز خود معترضین به گلوله بسته شدند که موجب شهادت زنان و کودکان گردیده و شعله اعتراض‌ها را دامن زد.

با گذشت چند روز از این بحران - که دیگر به مبارزهای کامل بدل شده بود - تمام گروه‌های ملی و اسلامی فلسطین از آن حمایت کرده و آن را "انتفاضه الاقصی" نامیدند.

از طرفی شکست مذاکرات صلح بین شلومو بن عامی سرپرست وزارت خارجه اسرائیل و صائب عریقات مرد شماره دو "ساف" - که روزهای قبل از بحران در تل‌آویو جریان داشت - نیز باعث شد تشکیلات خودگردان و شخص عرفات حرکتی در جهت آرام کردن اوضاع نکنند و حتی در بعضی مواقع از "انتفاضه الاقصی" حمایت کنند.^۱ در انتفاضه الاقصی تا کنون بیش از ۳۰۰ فلسطینی به شهادت رسیده و نزدیک ۳۰ اسرائیلی کشته شده‌اند؛ کِنِست در آستانه انحلال قرار گرفت و ایهود باراک، نخست‌وزیر، استعفا کرد.

هنگامی که در سال ۱۹۹۴ دولت چپ‌گرای رایین با این قول که شعار اسرائیل



بزرگ را کنار گذاشته، به امضای معاهده صلحی با فلسطینیان رسید، بسیاری امیدوار شدند که بعد از پنج دهه جنگ و خونریزی منطقه شاهد آرامش باشد.

ولی با پیروزی قاطع بنیامین نتانیاهو از حزب دست راستی لیکود - که با شعارهای افراطی در انتخابات شرکت کرده بود - در سال ۱۹۹۶ مشخص شد که نه دولت جدید اسرائیل مایل به صلح است و نه حتی افکار عمومی مردمش این آمادگی را دارند.^۲

این امر وقتی واضح شد که نتانیاهو اعلام کرد به هیچ کدام از توافق‌های دولت قبلی پایبند نیست و امنیت اسرائیل در اولویت برنامه‌های اوست. از این رو اعراب چه در داخل سرزمین‌های اشغالی و چه در کشورهای همجوار تلاش فراوانی کردند تا در سال ۱۹۹۹ ایسهود باراک - که گفته می‌شود در زمان سرپرستی وزارت خارجه در دولت موقت شیمون پرز در سال ۱۹۹۵ توافقات محرمانه‌ای برای تشکیل دولت فلسطینی کرده بود - از حزب کارگر به نخست‌وزیری برسد تا شاید راه صلح ادامه یابد.

ولی عدم تخلیه شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی بعد از سال ۱۹۶۷، جلوگیری از تأسیس یک کشور مستقل فلسطینی، عدم واگذاری شهر بیت‌المقدس به تشکیلات خودگردان از طرف اسرائیل، حمایت‌های دولت و کنگره آمریکا از شهرک‌سازی‌ها و

کمک‌های مالی منظم به اسرائیل و از همه مهم تر سیاست‌های اقتصادی اسرائیل^۳ از عواملی هستند که شهرت صلح‌طلبی ایسهود باراک را نیز سخت محدود ساخته است و باعث بروز چنین بحران‌هایی در یک سال و نیم اخیر شده‌اند. جالب اینجاست که حتی برخی محافل صهیونیستی نیز از قبل انتظار چنین بحرانی را داشتند تا آن‌جا که روزنامه هاآرتص چند هفته پیش از دور جدید فعال شدن انتفاضه ادامه شهرک‌سازی‌ها را خودکنشی سیاسی باراک نامیده بود و احزاب "مرتض" و "هاداش" نیز در چند مورد از برخورد خشونت‌آمیز شهرک‌نشینان با فلسطینی‌ها انتقاد کرده بودند^۴ و این اعمال را مغایر روند صلح و در نهایت امنیت اسرائیل می‌دانستند.

اما روند وقایع طوری بود که کسی به این هشدارها توجهی نکرد و حرکت نمادین شارون جرقه‌ای شد که بر این انبار باروت افتاد. در این ماجرا نه نیروهای میانه‌روی اسرائیلی کاری از دستشان ساخته بود و نه عرفات که مدتی بود در میان خواسته‌های متعدد و گاه متناقض، یاران و رقبای سیاسی فلسطینی‌اش از یک سو و موضع غیرآشتی‌جویانه طرف اسرائیلی از سوی دیگر، به وضعیت انفعالی روی کرده بود.

اکنون نیز به نظر می‌رسد که کلید آرامش منطقه بیش از هر چیز در دست آمریکایی‌هاست. یعنی چنانچه دولتمردان

اتحادیه اروپا و مسأله عضویت ترکیه

بیش از چهل سال از درخواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا می‌گذرد. علیرغم آن که ترکیه در ناتو و اتحادیه گمرکی اروپا عضویت دارد هنوز نتوانسته شرایطی را که اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویتش معین کرده برآورده نماید. در اجلاس اخیر مورخ ۲۵ آبان ۱۳۷۹، پارلمان اروپا در قطعنامه‌ای از دولت و پارلمان ترکیه دعوت کرد تا قتل عام سال ۱۹۱۵ ارمنه را به عنوان یک نسل‌کشی پذیرفته و بدین ترتیب در کنار تلاش‌هایش در تحقق اصول حقوق بشر در مسائل روز، از لحاظ تاریخی نیز چنین کند. همچنین از ترکیه خواسته شد که نیروهایش را از قبرس خارج نماید.^۱ علاوه بر این در مبحث پیش‌شرط برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا یک مورد دیگر بر مصوبات اتحادیه اروپا اضافه شد: اتحادیه اروپا از ترکیه خواست برای پیوستن به این اتحادیه تا پایان سال ۲۰۰۱ میلادی از طریق مشارکت فعال در مذاکرات وحدت رهبران دو جامعه جزیره قبرس که زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد جریان دارد، مسأله قبرس را حل کند.^۲ مسایل حقوق بشر و رعایت حقوق اقلیت‌ها به ویژه کردها، بهبود ساختارهای ضعیف اقتصادی از شروط قبلی اتحادیه بوده است و اضافه شدن یک شرط

آمریکایی در تعدیل سیاست این کشور در مقابل اسرائیل و جلوگیری از زیاده‌طلبی این رژیم، بکوشند تا به عنوان یک داور مرضی‌الطرفین شناخته شوند، ممکن است بتوانند هم اعتماد فلسطینی‌ها جلب کنند و هم کشورهای عرب منطقه را به روند صلح بازگردانند.

در این صورت شاید عرفات نیز بتواند از موضع یک قدرتمند گروه‌های مختلف فلسطینی را به آرامش دعوت کند. آنگاه شاید با از سر گرفته شدن مذاکرات بعد از حدود ۵۰ سال درگیری شاهد صلحی -هرچند نه خیلی عادلانه ولسی آرامش‌بخش- در منطقه باشیم.

سهراب ناصر مستوفی

پژوهشگر

- ۱- از این جمله می‌توان آزادی رهبران حماس از زندان‌های تشکیلات خودگردان و نامه‌های سرگشاده هانا عسراوی به کلینتون نام برد.
- ۲- رأی بالای شهرک‌نشینان مناطق اشغالی بعد از ۱۹۶۷ به حزب لیکود مشخص کرد نه تنها در این مناطق تنش میان دو قوم بسیار بیشتر است، بلکه این شهرک‌نشینان به سختی حاضر به ترک مسکن فعلی هستند.
- ۳- دولت اسرائیل برای دریافت کمک مالی از آمریکا و یهودیان خارج از اسرائیل نیاز به ناامن نشان دادن اسرائیل دارد. در این رابطه رجوع کنید به فرزین آرام، "انتخابات اسرائیل و سرنوشت قوم برگزیده" گفتگو، شماره ۱۳، پاییز ۷۵، صص ۷۷-۷۳.
- ۴- نمایندگان این دو حزب در کنست چندین بار به این مسأله اعتراض کردند. البته نمایندگان عرب نیز بارها و بارها به این حرکت یهودی‌های افراطی اعتراض کردند که در چند مورد با برخورد -شین‌بت- سازمان امنیت داخلی اسرائیل- مواجه شدند.